

SEPARATE OPINION

Cases Nos. 461, 462, 463, 464 & 465

Chamber Two

پرونده‌های شماره ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳،

۴۶۴ و ۴۶۵

شعبه دو

حکم شماره ۵۰۵-۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵-۲



پرونده شماره ۴۶۱

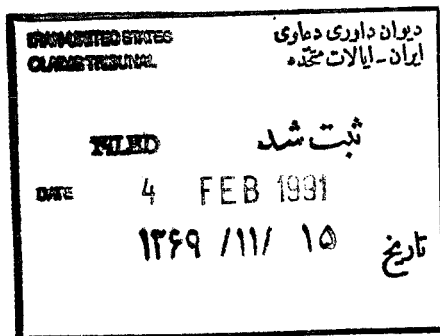
اردوان پیتیر سمراد ،

خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران ،

خوانده.



پرونده شماره ۴۶۲

پروین مریم سمراد ،

از جانب و به عنوان ولی قهری دختر صغیر خود،

رویا سمراد ،

خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران ،

خوانده.

پرونده شماره ۴۶۳

پروین مریم سمراد ،

از جانب و به عنوان ولی قهری دختر خود،

لیلا سمراد ،

خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران ،

خوانده.

پرونده شماره ۴۶۴
گیتی دینا سمراد ،

خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران ،
خوانده.

پرونده شماره ۴۶۵
پروین مریم سمراد ،

خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران ،
خوانده.

نظر جداگانه جرج اچ. آلدريج

مسأله تابعیت غالب و موثر خواهانها در طول دوره ذیربط، به نظر من در هر یک از این پرونده‌ها مسأله‌ای است که اظهارنظر قطعی راجع به آن چندان آسان نیست. نهایتاً، من با حکم صادره در مورد پرونده‌های شماره ۴۶۲، ۴۶۳ و ۴۶۵ موافق، و در مورد پرونده‌های شماره ۴۶۱ و ۴۶۴ که توسط دو نفر از فرزندان بزرگتر خانواده سمراد طرح شده است، مخالفم.

حکم صادره در این پرونده‌ها نشان می‌دهد که هنگامی که علایق اقتصادی خانواده‌ای در ایران متمرکز باشد، آنچنانکه در مورد خانواده سمراد مصداق دارد، قصد افراد دارای تابعیت دوگانه هنگام ورود به ایالات متحده، در مسأله تابعیت غالب و موثر آنها حائز اهمیت است و اثبات چنین قصدی مستلزم بذل کوشش است. در پرونده‌های حاضر چنین کوششی مبذول نشده است. پروین مریم سمراد، خواهان پرونده شماره ۴۶۵، در واقع ادعا کرده است که در اوت ۱۹۷۷ در ایالات متحده اقامت گزید تا دو فرزند کوچکتر خود را در آن کشور بزرگ و تربیت کند، لکن آن ادعا، در رابطه با دوره بعد از چنین تعلیم و تربیتی مبهم است. علاوه بر این، قصور وی در اثبات مدت زمانی که او از سال ۱۹۷۷ تا ۱۹۷۹ واقعاً در ایالات متحده بسر برده، همراه با این واقعیت که شوهر او ظاهراً در طول قسمت اعظم آن دوره در ایران و اروپا به سر می‌برد، موجب تضعیف ادعای وی می‌شود.

روشن است که زندگی و مشاغل اردوان پیترو و گیتی دیانا سمراد، در سالهای بعد از ۱۹۷۹ در ایالات متحده متمرکز بوده است. لذا در اینکه تابعیت امریکایی آنان اکنون غلبه دارد، شک و تردید نمی‌توان کرد. علیرغم این واقعیت که رویدادهای بعد از دوره ذیربط، در تعیین تابعیت غالب در طول آن دوره حائز اهمیت‌اند، (پاراگراف ۱۴، قرار اعدادی شماره ۳-۱۹۳-۶۸ مورخ دوم تیرماه ۱۳۶۷ [۲۳ ژوئن ۱۹۸۸] در پرونده رضا سعید مالک و دولت جمهوری اسلامی ایران، چاپ شده در 19 Iran-U.S. C.T.R. 48,51)، من قبول دارم که اظهارنظر راجع به غالب بودن یا

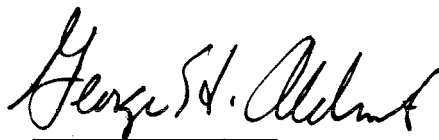
نبودن تابعیت امریکایی آنان در تاریخی که دعاویشان حسب اظهار به وجود آمد، یعنی ماه مه ۱۹۷۹ چندان آسان نیست. آنچه که موجب تضعیف دعاوی این دو نفر می‌شود، اینست که هیچیک از آنان نه تنها ادعا نمی‌کند، بلکه حتی اظهار نیز نمی‌دارد که هنگام ورود به ایالات متحده برای تحصیل در دانشگاه، قصد اقامت دایم در آن کشور داشت و بالعکس قصد وی آن نبود که پس از تحصیلات دانشگاهی، برای دنبال کردن علایق تجاری خانواده، که سهم قابل ملاحظه‌ای از آن نصیب هر یک از ایشان شده بود، به ایران بازگردد.

با وجود این، من معتقدم که اردوان پیترو گیتی دینا سمراد ادله و مدارک کافی برای توجیه این نتیجه‌گیری ارائه کرده‌اند که تابعیت غالب و موثر آنان در طول دوره ذریبطه، تابعیت ایالات متحده بوده است. آنان در ایالات متحده متولد شده‌اند و بدینسان، در سراسر عمر خود دارای تابعیت دوگانه بوده‌اند. ادله و مدارک پرونده موید این ادعاست که آنان در طول سالهای اولیه زندگی خود که همراه والدین خویش در ایران به سر می‌بردند، کاملاً جذب جامعه ایران نشدند، زیرا در خانه به زبان انگلیسی صحبت می‌کردند و غالباً به مدرسه امریکایی تهران می‌رفتند. آنان تحصیلات متوسطه خود را در مدارس بین‌المللی در سوئیس طی کردند، هر چند که در طول آن سالها، برای گذراندن تعطیلات خود نزد خانواده‌شان در ایران بازمی‌گشتند. تحصیلات دانشگاهی آنان تماماً در ایالات متحده انجام شد. اردوان پیترو تحصیلات خود را در آن کشور در سال ۱۹۷۶ و گیتی دینا در سال ۱۹۷۷ آغاز کرد.

در سنجش این ادله، من به دو دلیل با همکارانم اختلاف نظر دارم: اولاً سالهای تحصیلات متوسطه اردوان پیترو و گیتی دینا که در سوئیس صرف شده، از نظر من پیوندهای آنان را با ایران و فرهنگ ایرانی قبل از ورود ایشان به ایالات متحده، سست کرده است. ثانیاً، معتقدم که زندگی دانشجویی در ایالات متحده موجب می‌شود که فرد به گونه‌ای عمیق و فراگیر که تا حدودی نیز گریزناپذیر است، جذب فرهنگ امریکا گردد، به خصوص جوانانی مثل اردوان پیترو و گیتی دینا که شالوده قبلی محکمی در زبان و فرهنگ امریکا داشته‌اند.

با اظهار این مطلب، منظور من این نیست که در مورد هر دانشجوی دارای تابعیت مضاعف در ایالات متحده، می‌توان انتظار داشت که تابعیت امریکایی وی صرفاً پس از دو سه سال تحصیل در یک دانشگاه امریکایی غالب گردد، ولی معتقدم که دو خواهان یاد شده، با پیشینه ویژه‌ای که داشته‌اند، دلیل و مدرک کافی برای توجیه این نتیجه‌گیری ارائه کرده‌اند که تابعیت امریکایی آنان در ماه مه ۱۹۷۹، غالب شده بوده است.

لايه، به تاريخ ۱۵/۱۱/۱۳۶۹ برابر با ۴/۲/۱۹۹۱



جرج اچ. آلدریچ